

Methodological Criteria for Attributing Scientific Theories to the Qur'an in Interdisciplinary Studies from the Viewpoint of Ayatollah Javadi Amoli

Ali Mohammadi Ashnani *

University of Holy Quran Sciences and Education / President of the University of Tehran, Qom, Iran.

Muhammad Ali Dolat 

Research Assistant Secretary of the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran.

Accepted: 2022/04/05

Received: 2021/11/05

eISSN: 2538-2012

ISSN: 2008-9252

Abstract

Quranic interdisciplinary researches provide a strong connection between science and religion, help explaining the scientific nature of the miracles of the Qur'an, and are used in scientific interpretation; however, in case of disregarding the criteria of correct understanding and interpreting the Qur'an, attributing and adapting scientific theories to it would then lead to subjective interpretation, eclecticism and distortion. It is necessary to extract and apply the correct criteria for interdisciplinary Qur'anic research. This study intends to extract and introduce the criteria of correct understanding of the Qur'an from the viewpoint of Ayatollah Javadi Amoli, using a descriptive method. The findings of this study indicate that although from his point of view, understanding the Qur'an is possible and necessary for the public, methodologically, citing and reasoning the arguments requires attention to the following six points: 1. A good knowledge of Arabic literature and basic sciences without giving essential importance to their relative rules, 2. Attention to the variety of Qur'anic propositions in terms of expression, manner of writing, allegorical nature and symbolism, 3. Attention to the connection of cosmological facts with theology in the Qur'an and the difference between the language of the Qur'an and the language of science,


* Corresponding Author: dr.mohammadi.quran@gmail.com


How to Cite: Mohammadi Ashnani, A., Dolat, M. A. (2022). Methodological Criteria for Attributing Scientific Theories to the Qur'an in Interdisciplinary Studies from the Viewpoint of Ayatollah Javadi Amoli, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(48), 125-157.

4. Methodological use of reason and scientific findings in understanding the Qur'an and avoiding any eclecticism, imposition and unreasonable adaptations, 5. Attention to the occasions and circumstances of revelation, 6. Putting aside any analogy and istihsan (juristic discretion).

Keywords: Holy Quran, Interdisciplinary Studies, Methodological Criteria, Scientific Interpretation, Javadi Amoli.

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در مطالعات میان رشته‌ای از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

علی محمدی آشنانی  * | استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

محمد علی دولت  | استادیار پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی گرچه از یک سو، پیوند مستحکم علم و دین و از سوی دیگر در تبیین اعجاز علمی و از سوی سوم در تفسیر علمی، کاربرد دارد؛ اما در صورت بی‌توجهی به ضوابط فهم صحیح و عدم برداشت صحیح از قرآن، انتساب و انطباق نظریات علمی با آن، نوعی تفسیر به رأی، ایجاد التقاط و تحمیل و تحریف، محسوب می‌شود. بدین رو استخراج و کاربست ملاک‌های ارزیابی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی ضروری است. این پژوهش در صدد است با روش توصیفی، ضوابط فهم صحیح قرآن را از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، استخراج و معرفی نماید. یافته‌های این جستار نشانگر آن است که هر چند از دیدگاه ایشان، فهم قرآن برای عموم ممکن و لازم است؛ اما استناد و احتجاج به برداشت‌ها، از نظر روشی منوط به رعایت شش نکته؛ شامل ۱. توجه به ادبیات عرب و علوم پایه بدون اصالت دادن به قواعد اعتباری آن علوم، ۲. توجه به گوناگونی گزاره‌های قرآنی از نظر اخباری، انشایی، تمثیلی و نمادین بودن، ۳. مد نظر قرار دادن پیوند حقایق جهان‌شناختی با خداشناختی در قرآن و اختلاف زبان قرآن با بیان علم، ۴. بهره‌مندی روشمند از عقل و یافته‌های علمی در فهم قرآن و پرهیز از هرگونه التقاط، تحمیل و تطبیق‌های نامدل، ۵. پرهیز از جمود بر شأن نزول و مصادیق در عین توجه به آنها و ۶. کنار نهادن هرگونه قیاس و استحسان است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مطالعات میان رشته‌ای، ضوابط روشی، تفسیر علمی، جوادی آملی.

مقدمه

تولید علم دینی از مهم‌ترین راهبردهای سوق دادن جامعه به سوی فرهنگ دینی است و مدیریت تولید دانش میان‌رشته‌ای قرآنی می‌تواند اقدام مناسبی برای این مهم باشد. متأسفانه در طول سالیان دراز، بر طبل جدایی علم از دین یا تضاد آنها با یکدیگر کوبیده شده‌است. منشأ آن نیز عملکرد کلیسای مسیحیت بوده‌است که با پافشاری بر اصولی که از بیرون دین وارد آن شده بود، به مقابله با دانشمندان رفتند و سیاست سرکوب نظریات علمی را اتخاذ کردند؛ تا آنجا که دانشمندان و محققان جرأت نداشتند بر خلاف آنچه کلیسا علم می‌داند، بیندیشند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۸۸) مسیحیت نیز مانند دیگر ادیان الهی برای پاسخ‌گویی به نیازهای فطری انسان از جانب خدا نازل شده‌است؛ لیکن بعد از مسیح (ع) دین‌آشنایان بی‌باور برای حفظ منافع مادی خود، دست به تحریف و یا تفسیرهایی که مطابق امیال آنها بود، زدند. اما از آنجا که حَقَّانیت قرآن، منافع این گروه بی‌ایمان را بیش از پیش در معرض تهدید قرار داد؛ لذا با ظهور اسلام جریان تحریف در کتاب‌های آسمانی گسترش یافت. اینان که اوراق تورات و انجیل را وسیله ارتزاق خود قرار داده بودند، هر روز به گونه‌ای دست به تحریف و یا تفسیر می‌زدند؛ این تحریفات مکرر که غالباً مخالف با عقل بود، موجب شد تا صاحبان علوم تجربی جهان‌شناسی دینی را منکر شوند و به جدایی دین از عقل حکم دهند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ب: ۱۶۵) از طرف دیگر، تعمیم نابه‌جای علم‌گریزی مسیحیت به اسلام، موجب انتقال نگرش تعارض علم و دین از غرب مسیحی به جهان اسلام شد (ر.ک؛ قربانی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). حال آن که به اعتقاد بسیاری از دانشمندان و اسلام‌شناسان، انکار دین، انکار شالوده حقیقی علم است؛ هرگز تضاد واقعی میان علم و دین وجود ندارد و هر کدام از آن دو مکمل دیگری است. تصادفی نیست که متفکران بزرگ همه دوران‌ها دارای شخصیت دینی ژرفی بوده‌اند، و لو تظاهری به دینداری خود نکرده باشند (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲۴: ۳۸-۳۹؛ به نقل از پلانک، ۱۳۵۴: ۲۳۷-۲۳۸).

به اعتقاد برخی دیگر از اندیشمندان، اساسی‌ترین عامل گسترش پندار جدایی علم از

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...؛ محمدی آشنائی و دولت | ۱۲۹

دین، پوشاندن ماهرانه چهره حقیقی دین از عموم مردم کم اطلاع بود؛ تا جایی که آن چهره ساختگی از دین، نه تنها جدا از علم و سیاست و اقتصاد و حقوق و فرهنگ و هنر است، بلکه آن قدر فاصله میان آنها وجود دارد که مقایسه آنها با یکدیگر به هیچ منطقی متکی نمی باشد (ر.ک؛ جعفری، همان، ج ۲۲: ۳۰۱-۳۰۲) مطالعات میان رشته ای قرآن تلاشی است برای برطرف کردن بیگانگی و فاصله ای که به نادرست میان علم و دین پنداشته شده است. این امر الزاماً به معنای دست برداشتن از روش تجربی در علوم طبیعی و ویران کردن اساس علوم رایج نیست؛ بلکه به معنای رفع نواقص موجود و مشاهده هماهنگی آن با دیگر منابع معرفتی است. در این نگره، علمی که اوراق کتاب تکوین را ورق می زند و پرده از اسرار آن برمی دارد، اسلامی است؛ خواه الهیات باشد، یا علم فیزیک؛ خواه آن دانشمند موحد باشد، یا نباشد. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ب: ۱۴۳-۱۴۵).

برای اثبات هماهنگی آموزه های اسلام و به طور خاص، قرآن کریم با علم، دو راهکار کلی وجود داشته است: راهکار نخست آن که برخی از صاحب نظران علوم اسلامی تلاش کرده اند در مقام اثبات، از طریق براهین عقلی، این مهم را به اثبات برسانند و دعوت دین به عقلانیت و دانش پژوهی را به عنوان نشانه حقایق این دعوی دانسته اند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۷: ۱۴۹) چه این که رویکرد کلی آیت الله جوادی آملی نیز همین است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، الف: ۹۹). براهین این اندیشه ورزان عبارت اند از:

برهان یکم: اگر آموزه های دینی، مخالف عقل و علم باشد، یقیناً برای حفظ موجودیت خویش دعوت به تعقل و علم نمی کند. قرآن کریم همه انسان ها، به خصوص پیروانش را به عقلانیت و علم دعوت کرده است؛ پس آموزه های قرآنی، با عقل و علم ناسازگار نیست (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۳۵۲-۳۵۳، جعفری، همان، ج ۱۷: ۶۰ و رحیم پور، ۱۳۸۷، ب: ۱۲۰).

برهان دوم: دین الهی برای شناخت دو منبع دارد: عقل و نقل؛ علم و معرفت علمی خارج از حوزه معرفت دینی نیست تا سخن از تعارض علم و دین و ترجیح یکی بر دیگری به میان

آید؛ بلکه عقل عهده‌دار شناخت تجربی طبیعت است و اگر معرفتی توأم با قطع یا طمأنینه در اختیار نهد، می‌تواند نقاب از چهره خلقت و فعل خدا برفکند، چنان‌که قرآن و عترت، پرده از قول خدا برمی‌دارند. لذا عقل و نقل، هر دو پرده‌دار حریم معرفت دینی بوده و در هندسه معرفت دینی جای دارند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ب: ۱۴-۱۵).

برهان سوم: در سایه اسلام، جنبش عظیم علمی و انسانی بدون آلودگی به سکولاریزم، دنیاگرایی، الحاد، اخلاق‌ستیزی و دین‌گریزی پدید آمد. وجود شخصیت‌هایی که در پرتو هدایت‌های قرآن و عترت، سهم انکارناپذیری در پیشرفت علم داشته‌اند، گواه آن است که شباهتی میان آموزه‌های اسلامی با مسیحیت وجود ندارد تا بتوان تعارض مسیحیت با علم را به اسلام نیز تعمیم داد (رحیم‌پور، ۱۳۸۷، الف: ۶۰-۶۱) در این راستا آثار فراوانی تألیف شده که به ثبت اختراعات مهم و تحول‌آفرین مسلمانان پرداخته‌اند (ر.ک؛ آقایانی چاوشی، ۱۳۸۹: ۳۳)؛ حال آن‌که در همان زمان، مسیحیت دوران قرون وسطای خویش را به دور از مظاهر علم و فرهنگ سپری می‌کرد.

هرچند اقامه این براهین برای اثبات هماهنگی علم و دین لازم است، اما کافی نبوده است؛ زیرا اگر در بررسی مصداقی، ثابت شود که بخشی از آموزه‌های دین با یافته‌های علم سازگاری ندارد، ادعای مزبور دچار خدشه می‌شود. لذا راهکار دوم، یعنی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی مورد اهتمام دانشمندان مسلمان قرار گرفت تا راهکار یکم را تکمیل نماید.

۲. طرح مسئله

مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی، با اهداف و رویکردهای گوناگونی، شکل گرفته‌اند؛ برخی از ادیشمندان در مقام ثبوت، نه اثبات، در صدد نشان دادن هماهنگی یا مطابقت یافته‌های علمی موجود با برخی از نصوص یا ظواهر قرآنی بوده‌اند، راهکاری مستقل در اثبات هماهنگی علم و دین محسوب می‌شود. دانشمندانی که به این روش گرویده‌اند، رویکردهای مختلفی را در پیش گرفته‌اند؛ برجسته‌ترین رویکرد در این حوزه را می‌توان در

آثار کسانی مشاهده نمود که دین را پیشتاز علم دانسته و تلویحاً یا تصریحاً اظهار داشته‌اند که دین، راه را برای بسط و گسترش علم فراهم کرده‌است؛ چنان‌که سابقه این رویکرد را می‌توان در برخی از آثار مهدی بازرگان (بدون قضاوت درباره میزان موفقیت در به‌کارگیری این دیدگاه) نیز به‌روشنی یافت. از دیدگاه او، با بهره‌گیری از نور علم و عقل، می‌توان تا حدود بینایی و رسایی ممکن، پرده‌ها را از فهم قرآن کنار زده و با توجه به قرآن و خاندان رسالت، روزنه‌ها را از لابه‌لای آیات و روایات مستند جستجو نمود؛ به‌گونه‌ای که هم از محور اصلی منحرف نشده و از خود، ادعای تازه‌ای ابداع نکرده باشیم و هم پا به پای علوم کلاسیک گام برداریم و به نظریه‌ای دست یابیم که حتی‌المقدور مورد قبول دانش و دین و ترکیبی مأخوذ از هر دو باشد. به این ترتیب ممکن است به نظریه یا فرضیه‌ای برسیم که چند قدم جلوتر از مشهودات عادی و مسلمات اعلام‌شده امروزی علم یا منطوق صریح تفاسیر و روایات باشد. در این صورت برای آزمایش و پذیرش فرضیه، همان‌طور که در تفحصات علمی و کارهایی مثل زمین‌شناسی و هواشناسی متداول است که از روی شواهد و قرینه‌ها یا گمانه‌زنی‌ها^۱ و آثار^۲، نظریه‌ای اتخاذ یا نقشه‌ای ترسیم می‌نمایند و بر اساس آن نظریه و نقشه، به توجیه و پاسخ‌گویی به موارد و مسائل مختلف برمی‌آیند، ما نیز باید چنین کنیم. هر قدر نظریه یا نظریات پیشنهادی، گواهی‌نامه و تأییدیه از دو استاد صاحب صلاحیت یعنی دین و دانش بگیرد، نسبت به آن امید بیشتر و نظر مساعدتر پیدا می‌کنیم (ر.ک؛ بازرگان، ۱۳۹۱: ۴۸۵-۴۸۶) (ذره بی‌انتهای، بی‌نهایت کوچک‌ها، باد و باران در قرآن، توحید، طبیعت، تکامل و مطهرات در اسلام و راه طی شده).

برخی از پژوهشگران رویکرد تطبیق را در پیش گرفته‌اند، مانند مقاله «مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم جنین‌شناسی» (کامکار و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۹)، مقاله «حکمت تحریم گوشت خوک در قرآن، حدیث و علم» (علایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۹) و مقاله «نابرابری درآمدی از دیدگاه اسلامی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران» (بختیاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۳).

1. Sondage
2. Affleurement

گروه سوم، با تفسیر علمی قرآن، اثبات هماهنگی علم و دین را مد نظر قرار داده‌اند، همانند طنطاوی در الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم. همچنین سید رضا پاک‌نژاد در کتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» علاوه بر آن که سعی نموده با بهره‌گیری از گزاره‌های اخلاقی و احکام فقهی اسلام و تلفیق آن با مسائل علمی، رویکردی دیگر را مطرح نماید، تصریح می‌کند که قصد تطبیق نظریه‌ها و حدسیات دانشمندان غرب با آیات قرآن را ندارد؛ بلکه می‌خواهد نشان دهد که بسیاری از دانشمندان توانسته‌اند با تلاش علمی خود، نقاب از چهرهٔ برخی از رازهای آفرینش، آن‌چنان بردارند که مورد تأیید قرآن قرار گیرند (پاک‌نژاد، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳) ولی گروه چهارم به تأثیر آموزه‌های دینی در دستیابی به غایت‌های مختلف پرداخته‌اند، مانند: مقاله «نقش آموزه‌های دینی در حل بحران‌های زیست محیطی» (بیدهندی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷) و نیز مقاله «شاخص‌های سلامت معنوی از دیدگاه آموزه‌های وحیانی» (مرزبند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹)؛ البته از این منظر، نه هماهنگی علم و دین، بلکه صرفاً سودمندی دین برای جامعهٔ بشری اثبات می‌شود. گروه پنجم نیز تعداد اندکی از اسلام‌شناسان و قرآن‌شناسان بوده‌اند که رویکرد حاکم بر مطالعات ایشان، نقد یافته‌های علمی و نشان دادن نقاط ضعف و کمبودهای یافته‌های موجود علمی بر اساس آموزه‌های قرآنی و اثبات برتری مطالب به‌دست آمده از قرآن بوده‌است، مانند: مقاله «نقد و بررسی سلسله مراتبی بودن نیازهای انسان در نظریهٔ مازلو با رویکردی بر آیات قرآن کریم» (مروتی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۴۶)، مقاله «بررسی تطبیقی حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک» (ایروانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۵-۸۶) و مقاله «مقایسهٔ سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانهٔ اسلام» (پرچم و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۳۸).

اگر به صورت کلان، رویکرد علوم انسانی اسلامی را که اهتمام به آن، با توجه به قرار گرفتن در زمرهٔ سیاست‌های علمی کشور و توجه بسیاری از اندیشمندان، به دلیل ماهیت موضوع آن، یعنی «انسان» و ماهیت احکام و اهداف دین که ناظر به «انسان» است، گسترش یافته، رویکرد مستقلی در نظر بگیریم، آن‌گاه می‌توان به نظریه‌پردازان برجستهٔ این عرصه،

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...؛ محمدی آشنائی و دولت | ۱۳۳

از متقدمانی چون شهید مطهری، تا افراد پیشگام و پرتلاش، چون مصباح یزدی یاد کرد که با توجهی دقیق به سایر نظریه های مطرح در این حوزه و با در نظر گرفتن تفاوت های ماهوی علوم توصیفی با علوم توصیه ای، نظریه مستقلی را در این عرصه مطرح نموده اند (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۰۴-۲۰۵ و ۲۰۸-۲۱۲).

یکی از نتایج طبیعی مطالعات میان رشته ای قرآن کریم، انتساب نظریه ها به قرآن است. کلام هیچ متکلمی را نمی توان به رأی خود تفسیر کرده و سپس آن را به متکلمش اسناد داد و در این جهت نیز فرقی بین کلام دینی با غیر دینی نیست؛ البته تفسیر به رأی متون دینی با خطر عقوبت الهی همراه است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۷۶).

امروزه بسیاری از صاحب نظران علوم مختلف، تلاش وافر دارند تا نظریه های خویش را اصطلاحاً قرآنی معرفی کنند؛ حال آن که برخی دیگر، همان نظریات را مخالف یا غیر قابل تطبیق با قرآن می دانند. در این راه، گاهی استنباط هایی صورت می گیرد که مبتنی بر برداشت های روشمند یا ضابطه مند نیست و در بسیاری از آثار نسبت به این موضوع صریحاً اشاره ای نشده است، ولی در مقدمه کتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» نویسنده تصریح کرده: «از آن جا که بسیاری از آیات قرآن دارای معانی گوناگون است و لغات و واژه ها در زبان عرب، دارای استعداد خاصی است که می توان با یک لغت، به چند معنی اشاره نمود، لذا نگارنده کوشیده است آن معنی را انتخاب کند که با وضع کتاب و موضوع مورد بحث، تناسب داشته باشد» (پاک نژاد، همان، ج ۱: ۳) انتساب نظریه ها به قرآن و تمایز آنها با سایر نظریه های موجود از این جهت، موجب حمل بار ارزشی بر آنها و احیاناً جلب عواطف دیندارانه عوام و گاه خواص در جامعه علمی می شود که این روند ممکن است در بلندمدت به تردید در حقانیت قرآن کریم بینجامد. چنان که به گواه تاریخ، مسیحیت به همین عارضه دچار شده و در رنسانس، به تعارض با علم محکوم گردید (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۶: ۲۹).

در این مقاله، هماهنگی آموزه های قرآن با عقل و علم به عنوان پیش فرض که این موضوع در زمره مبانی مطالعات میان رشته ای قرآن کریم محسوب می شود، به عنوان اصل

موضوعه و پیش‌فرض در نظر گرفته شده‌است؛ لذا در صدد اثبات آن نیستیم. بلکه می‌خواهیم بدانیم چگونه می‌توان ادعای قرآنی بودن نظریه‌ها را ارزیابی کرد؟ روشن است که ارزیابی انتساب نظریه‌های علمی به قرآن کریم، منوط به تعریف ضوابط و شاخص‌هایی برای سنجش است؛ بخشی از این ضوابط و شاخص‌ها مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و غایت‌شناختی علم را ارزیابی می‌کنند و بخشی دیگر، روش پژوهش را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در مطالعات میان‌رشته‌ای، اگر روش حاکم بر هر یک از رشته‌ها متمایز از یکدیگر باشد، ضوابط روشی نیز متمایز خواهد بود؛ بخشی از ضوابط، مربوط به رشته نخست و بخشی دیگر، مربوط به رشته دوم است. لذا در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن، بخشی از ضوابط، مربوط به فهم قرآن یا انتساب به قرآن بوده و بخشی دیگر، مربوط به ارایه دیدگاه رشته‌های دیگر است.

۳. پیشینه پژوهش

اندیشمندان، به منظور اتقان خوانش یک نظریه علمی به عنوان علم دینی، مطالعات و پژوهش‌هایی را انجام داده و به بررسی معیارهای مختلفی پرداخته‌اند. در این مطالعات، سه رویکرد کلان؛ نقل‌محور، مبنا‌محور و اجتهاد‌محور به چشم می‌خورد... (علی‌تبار و دیگری، ۱۳۹۵: ۳۰) رویکرد مبنا‌محور، به بررسی محتوایی نظریات مطرح‌شده می‌پردازد، ولی دو رویکرد دیگر، به بررسی روشی آثار نیز می‌پردازند. آنها علاوه بر معیارهای عمومی برای «علمی بودن» نظریه‌ها، متناسب با هر کدام از این رویکردها، معیارهایی برای «دینی بودن» نیز ارایه کرده‌اند. (سوزنچی، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۱۹۴) و عواملی همچون: دقت در موضوع، محمول، مبانی و مبادی، پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه، روش‌ها و ابزارها، منابع، اهداف و غایت‌های ذاتی و متوسط، و فواید و کاربردها، محیط جغرافیایی، عوامل فرهنگی و تمدنی و... را از جمله معیارها و مؤلفه‌های گوناگون علم دینی برشمرده‌اند. (رشاد، ۱۳۸۷: ۱۲) البته به تحلیل برخی پژوهشگران، برخی، از این معیارها، «مؤلفه‌های رکنی» (غیر قابل چشم‌پوشی)، برخی، «ممیزه‌های ماهوی» و برخی دیگر، صوری و برونی (قابل چشم‌پوشی) هستند. (همو، ۱۴۰۰: ۵) اما به‌رغم پژوهش‌هایی که ناظر به مفاد فوق و برای تعیین

معیارهای علم دینی صورت گرفته، هیچ کدام ناظر به شیوه استناد یک نظریه، به منابع نقلی دین، یعنی کتاب و سنت نبوده است؛ اما در برخی از آثار که به منظور معرفی «تفسیر علمی» و یا تبیین روش های تفسیری به صورت عام، تدوین شده، می توان به قواعدی برای استناد به آیات قرآن دست یافت. همانند «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن» رضایی اصفهانی که سعی نموده با در نظر گرفتن پیشینه تفسیر علمی و سنت های رایج فکری در تطبیق یافته های علمی با قرآن در جهان اسلام و غرب و تبیین مرزهای آن با تفسیر به رأی و تأویل های نابه جای مورد استفاده برخی از مفسران و نیز بیان مثال های فراوان از نظریه های علمی قابل تطبیق با قرآن، اصولی را برای تفسیر علمی ارائه نماید. (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۳) با این حال در این کتاب نیز درباره ضوابط استناد و انتساب نظریه علمی به قرآن، جز در مقام تعارض علم و دین سخنی به میان نیامده است. شادی نفیسی نیز دذ مقاله مبانی اختصاصی تفسیر علمی قرآن، به معرفی ضوابط مبنایی در تفسیر علمی همانند پذیرش معرفت بخش بودن و قابلیت تطبیق زبان قرآن با زبان علم، واقع نمایی گزاره های قرآن و ... پرداخته، (نفیسی، ۱۳۹۵: ۱۵۶-۱۶۲) که می توان از آن ها قواعدی برای روش شناسی استناد به قرآن استخراج نمود. چنان که برخی با نقد کارکردگرایی در فهم گزاره های دین، تلاش نموده اند زمینه استناد به قرآن برای دستیابی به واقعیت ها و یافته های علمی، محفوظ بماند. (سعیدی روشن، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵) گفتنی است در برخی از آثار پیشین و معاصر همچون البرهان زرکشی، الاتقان سیوطی، مناهل العرفان زرقانی، دراسات قرآنیة محمد حسین علی الصغیر و التفسیر و المفسرون معرفت، به شرایط عمومی مفسر و زمینه های لازم برای تفسیر، اشاره شده که از آن ها می توان ضوابط روش شناختی در استناد به قرآن را نیز استنباط نمود؛ به عنوان نمونه آنچه معرفت با تکیه بر سخن زرکشی، بر لزوم اطلاعات وسیع مفسر نسبت به علوم مختلف؛ همانند زبان و ادبیات عرب، صرف، نحو و لغت، سنت علم اصول و فقه و مطرح نموده است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۹-۶۰) اما با وجود مطالعات صورت گرفته پیش گفته، همچنان اثری که به صورت خاص به بررسی ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن پرداخته باشد و تبیین دقیقی از ضوابط روشی که برای سنجش و ارزیابی نوع

استناد به مهم‌ترین منبع دین، یعنی قرآن کریم، ارائه دهد، مشاهده نمی‌شود.

۴. پرسش پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، چه ضوابط روشی برای ارزیابی انتساب نظریه‌های علمی به قرآن وجود دارد؟ استخراج ضوابط روشی انتساب به قرآن، مقدمه‌تعریف شاخص‌های روشی آن است و استفاده از شاخص‌های روشی برای سنجش نظریه‌های مختلف در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن، ساده‌ترین راهکار برای تشخیص مغالطه‌ها و احتراز از التقاط، تحمیل و تحریف معارف قرآن است. بنا بر این، گام بعدی پژوهش، به‌عنوان پیشنهاد ادامه مسیر این پژوهش، تبدیل ضوابط فهم قرآن به شاخص‌های روشی انتساب به قرآن خواهد بود.

۵. ضابطه‌مندی فهم قرآن

هر گونه نظریه پردازی در حوزه قرآن، متوقف بر داشتن فهم صحیح از قرآن است و محققى که در صدد مطالعه میان‌رشته‌ای قرآن است، به دنبال تفسیر نیست؛ بلکه خواهان برخوردارى از معرفت صحیح نسبت به موضوع تحقیق در نظر قرآن است.

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، قرآن برای همه انسان‌ها قابل فهم بوده؛ زیرا زبان آن، زبان فطرت و با انسانیت آدمیان، هماهنگ است. زبان دین، معماً گونه و رمز گونه نیست تا کسی آن را نفهمد؛ زیرا دین برای هدایت همه آمده است و چیزی که برای هدایت همه است، باید حقایقش به گونه‌ای بیان شود که همگان حقانیت آن را بفهمند و برتری‌اش را در مقایسه با سایر افکار بیابند. هر چند برای فهم لطایف و اسرار کتاب‌های آسمانی نیاز به تفسیر وجود دارد و پیامبران نیز کتاب‌های الهی را برای مردم تفسیر می‌کنند؛ ولی اصول و محورهای اصلی معارف این کتاب‌ها برای همگان روشن و قابل فهم است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، الف: ۷۷). قرآن برای فطرت همه بشر آمده است و فطرت، هم فجور و تقوا را به‌خوبی درک می‌کند و هم بدیهیات را می‌شناسد؛ یعنی می‌فهمد که محال است یک شیء با حفظ جهات وحدت، هم باشد و هم نباشد. هر کسی با این سرمایه می‌تواند از

محضر قرآن بهره مند می شود (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۵۰).

همچنین، قرآن به وسیله اصطلاحات علوم مختلف، مانند فلسفه، کلام، فقه، تاریخ، ادبیات، اصول، هنر و علوم تجربی فهمیده نمی شود؛ زیرا تنها برای متخصصان این رشته ها نیامده است. اگر کسی اصول از پیش ساخته را به همراه ببرد و بخواهد قرآن را بر اصول موضوعه رشته علمی خود تطبیق دهد و آن اصول را بر قرآن تحمیل کند، نه تنها چیزی از قرآن نخواهد فهمید؛ بلکه آیات آن را در غیر معنای اصلی خود به کار خواهد برد (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸: ۴۵۰). البته جدا کردن مرز اصطلاحات و عدم تحمیل رأی بر قرآن، به معنای نادیده گرفتن سرمایه های عقلی و علمی در فهم آن نیست (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۹، ب: ۱۹۸).

البته عمومی بودن تدبر در قرآن و فهم آن و نیز میسور بودن درک معارفش برای همگان، بدین معنا نیست که هر کسی بدون ضوابط می تواند به یافته های خویش استناد کند؛ بلکه هر کسی می تواند در قرآن تدبر کند، اما فقط کسی می تواند به یافته های خویش احتجاج کند که به ضوابط فهم آن، پایبند باشد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۸).

۶. ضوابط روشی فهم صحیح قرآن

در دیدگاه آیت الله جوادی آملی، رعایت شش ضابطه روشی ذیل، برای فهم صحیح قرآن به عنوان یکی از دو جانب مطالعات میان رشته ای، لازم و ضروری است:

۶-۱. آشنایی با علوم پایه، با پرهیز از جمود بر قواعد اعتباری آن علوم
نخستین لازمه فهم صحیح قرآن، آشنایی مناسب با قواعد ادبیات عرب و علوم پایه فهم قرآن است؛ بدین رو کسی که آشنایی مناسبی با علم لغت و قواعد ادبیات عرب و علوم پایه دیگر که در فهم قرآن دخیل اند، ندارد، هر چند حق تدبر در مفاهیم قرآنی را دارد؛ اما نمی تواند به یافته خویش، استناد و احتجاج کند (ر.ک؛ همان، ج ۱: ۳۸). لذا از طرف دیگر، مرجع اصلی در فهم قرآن، خود قرآن است؛ جمود بر برخی قواعد اعتباری مشهور علوم پایه که از پشتوانه عقلانی خاصی - برای خروج از محدوده اعتبار محض - برخوردار نیست، جایز نمی باشد. بر این اساس به نظر علامه جوادی آملی، شاید برای کسی که هنوز کلام الله

بودن قرآن ثابت نشده، مجاز باشد که ابتدا به قوانین ادبی مراجعه کند تا اعجاز و معارف قرآن را بفهمد؛ اما برای کسی که قرآن را کلام‌الله می‌داند، قرآن، مهم‌ترین مرجع و قانون ادبیات بوده و فقدان کتاب ادبی در جاهلیت، شاهد صحت این ادعا است. کسی که این را مبنای فهم قرآن قرار ندهد، ممکن است بر اساس عُرف ادبیات عرب، استعمال «من» موصوله را فقط برای ذوی العقول و «ما» موصوله صرفاً برای غیر عاقل جایز بداند. حال آن که در پاره‌ای از آیات همچون آیه ۴۵ سوره نور: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي - عَلَى أَرْبَعٍ»، لفظ «مَنْ» برای غیر عاقل به کار رفته است؛ در حالی که در آیه سوم سوره نساء «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»، لفظ «ما» برای ذوی العقول استعمال شده است (ر.ک؛ همان، ج ۱۸: ۲۱۲-۲۱۳).

۶-۲. توجه به گوناگونی گزاره‌های قرآنی

در مطالعات میان‌رشته‌ای، باید در استناد مطالب به قرآن به تنوع گزاره‌های قرآن کریم، توجه نمود زیرا گزاره‌های گوناگونی دارد که نمی‌توان همه آنها را یکسان تحلیل نمود و از معارف آن بهره گرفت. انواع گزاره‌های قرآنی عبارت‌اند از:

۶-۲-۱. گزاره‌های اخباری

حقایقی که در قرآن به صورت تحلیل‌های عقلانی و با برهان و احتجاج، بیان می‌شود، قضایا و گزاره‌های اخباری است. گزاره‌های اخباری سه دسته‌اند:

۶-۲-۱-۱. گزاره‌های عقلانی استدلالی

قرآن کریم بعضی حقایق را با تحلیل عقلانی تبیین می‌کند؛ برای نمونه، بخش عظیمی از مطالب قرآن، مربوط به اثبات توحید و خداشناسی است و قرآن برای همه این مسائل، حتی توحید، برهان اقامه می‌کند. همچنین قرآن، در معرفی معاد و تحلیل مواقف قیامت، به اثبات امکان و ضرورت معاد می‌پردازد؛ همان‌طور برای ضرورت بعثت پیامبران و کیفیت نزول

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...: محمدی آشنائی و دولت | ۱۳۹

وحی، تبیین عقلی مطرح می کند. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، الف: ۹۱-۹۲) البته تبیین عقلانی قرآن با زبان علوم عقلی رایج، مانند فلسفه و کلام متفاوت است؛ قرآن از روش های مختلفی مانند: استفاده گسترده از تمثیل برای تنزل دادن معارف سنگین، بهره گیری از شیوه جدال احسن، پیوند زدن مسائل نظری با احکام عملی، پرهیز از کلی گویی به وسیله بیان مصداق و فن تکرار استفاده کرده است (ر.ک؛ همان، ج ۱: ۴۴-۵۲). افزون بر آن، در کتاب های فلسفی، در ضمن بحث از جهان بینی و مسائل نظری، از مسائل حکمت عملی سخن به میان نمی آید و فقط به استدلال اکتفا می شود؛ (ر.ک؛ همو، ۱۳۷۹، ج ۷: ۹۵).

۶-۲-۱-۲. گزاره های مربوط به حقایق و واقعیات عینی

بخشی از حقایق قرآنی، به تبیین کیفیت آفرینش انسان و جهان اختصاص دارد؛ در فهم این گزاره ها، نباید از لوازم منطقی آیات غفلت ورزید. توضیح آن که گاه در بررسی آیه ای، پرسش های فراوانی به ذهن متبادر می شود که برخی از آن پرسش ها به وسیله صراحت یا ظهور لفظی آیات دیگر پاسخ می یابد؛ اما بعضی دیگر از پرسش ها، از ظهور منطوق آیات بعدی استنباط نمی شود، بلکه از راه استلزام یا ملازمه یا تلازم و از مجموع مذکور و محذوف، یا منطوق و مفهوم و مسکوت عنه پاسخ می یابد (همو، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۲۴).

به عنوان نمونه حکم به آفرینش جهان در شش دوره در آیه «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (الأعراف/۵۴) یا طبقات هفت گانه آسمان در آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (البقره/۲۹). (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۷، الف: ۹۲) که از لوازم آیات فهمیده می شود که مقصود از «یوم» در سِتَّةِ أَيَّامٍ خلقت آسمان ها و زمین، شبانه روز عادی زمین نیست، چه این که در قرآن از فصل های چهارگانه طبیعت با عنوان اربعه آیام یاد شده است؛ بلکه منظور از سِتَّةِ أَيَّامٍ، شش مرحله است (ر.ک؛ همان، ج ۱: ص ۱۲۵-۱۲۶). زیرا پیدایش روز و شب اصطلاحی پس از آفرینش نظام کیهانی (و خورشید و ماه و زمین) است. (همان، ج ۵: ۱۶۰) چنان که با همین روش، فهمیده شود که منظور از هفت آسمان نیز عدد هفت عادی

نباشد. (همو، ۱۳۸۷، الف: ۹۲)

۶-۲-۱-۳. گزاره‌های تاریخی

بخشی از حقایق که در قرآن آمده، گزاره‌های تاریخی داستان‌های پیامبران الهی و امت‌های آنان است. چنان‌که درباره‌یایل و قابیل می‌فرماید: ماجرای فرزندان آدم را به حق برای آنان تلاوت کن: «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ» (المائده/۲۷). این تعبیر نشان می‌دهد که هم اصل ماجرا، تخیلی نبوده و حقیقی است و هم نقل آن مشوب به تخیل نیست؛ پس نقل و منقول هر دو حق‌اند. (همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۳۷) این داستان‌ها که از آدم (ع) تا خاتم (ص)، به‌عنوان پیامبر یا ولی الهی نقل شده و نیز مطالب مربوط به امت‌های آنان، همگی گزاره‌های خبری مربوط به تاریخ محقق است؛ خواه مجموعه آن داستان‌های ملکوتی باشد، مانند ماجرای آدم و حوا و شیطان، یا مرگ از مُلک و ملکوت باشد، مانند جریان خضر و موسی (ع)، یا سراسر مُلکی باشد، مانند داستان موسی (ع) با فرعون و قارون یا داستان‌های پیامبران دیگر. (همو، ۱۳۸۷، الف: ۹۳) این نکته شایان ذکر است که اگر چه همه داستان‌ها گزاره‌های اخباری است که از واقعیات خبر می‌دهد؛ ولی در ضمن این داستان‌ها گزاره‌های انشایی نیز آورده‌است تا نیکان در پرتو آن وعده‌ها به بهشت راه یابند. (همو، ۱۳۸۷، الف: ۹۳)

به‌عنوان نمونه، مطالب مربوط به حضرت موسی (ع) که با ذکر نام آن حضرت در بیش از صد بار در قرآن آمده، گرچه جزئیات تاریخ زندگی او، همانند تاریخ تولد و مدت شیرخوارگی او اصلاً در قرآن ذکر نشده‌است؛ ولی از وحی الهی به مادرش برای انداختن کودک در دریا و ایجاد طمأنینه در قلب مادر و مؤده بازگشت فرزند به مادر سخن به میان آمده‌است (قصص/ ۷، ۱۰، ۱۳) همان‌طور که از تاریخ هجرت موسی به مدین و زمان بازگشت او به مصر، گفتاری در قرآن نیست؛ لیکن خدمت رایگان او برای تأمین آب دام فرزندان شعیب، دامداری دختران شعیب و پاکدامنی آنان، و همچنین مشاهده آتش و رفتن به سوی آن، شهود نور و استماع کلام توحیدی خدا از درخت (قصص/ ۲۳-۳۳) مطرح شده‌است (ر.ک؛ همو، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۸-۴۹). روش قرآن کریم در تبیین این دسته از

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...: محمدی آشنائی و دولت | ۱۴۱

گزاره‌ها، گزینش صحنه‌های درس آموز تاریخی و اکتفا به مواردی است که با هدف قرآن، یعنی هدایت انسان‌ها سازگار است و سنت‌های الهی را بازگو می‌کند (ر.ک؛ همو، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۸) لذا توجه به دو نکته ضروری است: اولاً هیچ‌یک از داستان‌هایی که قرآن ذکر می‌کند، ساختگی و تخیلی نیست؛ بلکه واقعیت‌هایی است که در گذشته رخ داده است، ثانیاً هدف قرآن از آوردن آنها نیز سرگرم کردن مردم نیست؛ بلکه نتایج حقی در تعلیم و تزکیه مردم از آن می‌گیرد (همو، ۱۳۸۸، ب: ۳۰۱).

۶-۲-۲. گزاره‌های انشایی

بسیاری از مسائل قرآنی، اخباری نیستند؛ بلکه زبان انشایی دارند. از مهم‌ترین فرق‌های گزاره‌های اخباری با گزاره‌های انشایی، حمل صدق و کذب است. صدق و کذب از اوصاف متقابل خبر هستند که اگر جمله‌ای عنوان خبر داشت، یا صدق است، یا کذب؛ اما چنانچه جمله‌ای خبر نباشد، نه صدق خواهد بود و نه کذب (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۶، الف، ج ۲: ۸۲) گزاره‌های انشایی قرآن عبارت‌اند از: امرها و نهی‌ها، وعده‌ها و وعیدها، مسائل استفهامی، نپایش‌ها، ترجی و تمنی. در میان گزاره‌های انشایی، گزاره‌های امر و نهی و وعده و وعید بیشتر دیده می‌شود. قرآن به وسیله اوامر و نواهی، انسان‌ها را به کیفیت تنظیم زندگی در دنیا آشنا می‌کند و به وسیله وعده‌ها و وعیدها، کیفیت زندگی اخروی را بازگو می‌کند. (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۷، ب: ۹۳).

توجه به این حقیقت لازم است که گزاره‌های انشایی و «باید»ها و «نباید»های الهی، همانند اوامر و نواهی، امور اعتباری و قراردادهای بشری نیستند؛ بلکه ریشه در تکوین یا «هست»ها و «نیست»ها دارند. بدین روست که احکام الاهی و اوامر و نواهی شریعت در ساختن انسان متکامل، سهم به‌سزایی دارد. تحلیل آن‌چه در دیوان شریعت به‌عنوان «ممنوع» مطرح است، در دفتر حقیقت به‌عنوان «ممتنع» است؛ اوامر و نواهی الهی که ظاهراً تکلیف هستند، در واقع حقوقی هستند که به‌دلیل عدم آگاهی انسان به مصالح خویش، اقدام به آنها نمی‌کند. (همو، ۱۳۸۸، الف: ۲۷۶) لذا «باید»ها و «نباید»های الهی، بیانگر مصالح انسان هستند؛ اما نمی‌توان مصالح انسان را محدود به منافع یا مصالح دنیوی مادی یا جسمانی

دانست (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۷، ج: ۱۰۴).

* گزاره‌های انشایی خبری و گزاره‌های خبری انشایی

برخی از خبرهای قرآنی، معنای انشایی و بعضی از انشاهای قرآنی معنای خبری دارد. به عبارت دیگر، گاهی جمله خبری به داعی انشا و زمانی، جمله انشایی به داعی خبر، القا می‌شود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۸۹) دلالت جمله خبریه‌ای که به داعی انشا صادر شده باشد، از دلالت جمله انشایی بر حکم قوی‌تر است (ر.ک؛ همان، ج ۵: ۳۵۸) نیز، جمله انشایی در مطلب تکوینی، دلالت بیشتری بر نفوذ قدرت و غلبه امر الهی دارد؛ از این رو کاربرد انشا در امور تکوینی و وقوعی، به جای اخبار، بلیغ‌تر است (ر.ک؛ همان، ج ۱۱: ۵۴۱). برای تشخیص این موارد، وجود قرینه‌ای که دال بر آن باشد، لازم است؛ در غیر این صورت، حمل بر خلاف ظاهر جایز نیست (ر.ک؛ همان، ج ۱۲: ۳۰۰).

۶-۲-۳. گزاره‌های تمثیلی

بخشی از حقایق در قرآن، به صورت مثل ذکر شده‌است که به آنها گزاره‌های تمثیلی گفته می‌شود. تمثیل، تنزل دادن و رقیق کردن معارف بلند به وسیله مثل است و فرق آن با قصص قرآنی این است که قصص، متن ماجرای واقعی گذشتگان است. قرآن بین این دو مطلب تفکیک کرده و هرگز اجازه نمی‌دهد که این دو با یکدیگر آمیخته شوند. چنان‌که در آیه ۲۱ سوره حشر، بعد از تمثیل عظمت قرآن فرمود: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر/۲۱) لذا اگر پیش یا پس از بیان مطلبی، قرینه‌ای بر تمثیلی بودن وجود داشته باشد، تمثیل است؛ در غیر این صورت، تمام آنچه گفته شده، حقیقتی است که اتفاق افتاده یا رخ خواهد داد (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۳۷-۴۳۸). گزاره‌های تمثیلی قرآن عبارت‌اند از:

۶-۲-۳-۱. بیان نمونه و تحلیل حوادث واقعی

گاه قرآن آنچه که به صورت موردی اتفاق افتاده، نقل، تجزیه و تحلیل می‌کند، سپس با

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...: محمدی آشنائی و دولت | ۱۴۳

استنتاج از آن، اصل کلی را نتیجه گرفته و بیان می فرماید. به عنوان مثال، قرآن کریم پس از نقل یک ماجرا، می فرماید: «وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (القصص/۱۴) یا «وَكَذَلِكَ نُجْزِي الْمُؤْمِنِينَ» (الأنبياء/۸۸). معنای این روش آن است که قضیه مذکور، نمادین یا قضیه ای شخصی نیست که دیگر بار تکرار نشود؛ بلکه همواره سنت خدا چنین است (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۷، الف: ۹۴).

۶-۲-۳-۲. تشبیه

گاهی اصل داستان واقع نشده است، بلکه قرآن مطلبی را به وسیله تشبیه تبیین می کند؛ یعنی نخست بر اساس حکمت، با برهان و دلیل قطعی مسئله را عرضه می کند، اما برای افراد ساده اندیشی که توان هضم برهان و استدلال ندارند، مطلب را در قالب مثل بیان می کند. (همو، ۱۳۸۸، ب: ۲۹۵) مثلاً آنچه در آیه ۲۲ سوره انبیاء: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» در قالب برهان تمناع برای اثبات توحید ذکر شده، در آیه ۲۹ سوره زمر: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» به صورت مثل نیز بیان شده است (ر.ک؛ همو، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۱-۴۲).

اگر در مواردی، در کنار بیان حقیقی، تعابیر تمثیل آمده باشد، مانند: «وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا...» (یس/۱۳)، برای نفی خصوصیت فرد بوده تا نشان دهد آن مورد، مثالی از یک اصل کلی است. در این موارد، تمثیل به معنای تشبیه نیست؛ بلکه بیان نمونه است، چنانچه چیزی واقع نشده باشد، تمثیل، بیان نمونه نبوده و به معنای تشبیه است (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۳۸).

۶-۲-۳-۳. بیان سمبلیک و نمادین

قرآن کریم عظمت خویش را با این مثل ذکر می کند: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» یعنی عظمت قرآن به قدری است که اگر بر کوه نازل شود، کوه متلاشی می شود، ولی قرآن در واقع بر کوه نازل نمی شود؛ بلکه این مثل، جنبه نمادین دارد و می خواهد ظرفیت وجودی انسان کامل را در تحمل قول ثقیل بیان کند (ر.ک؛ همو،

۶-۲-۳-۴. تمثیل واقعی محسوس یا غیر محسوس

در قرآن کریم، مثال، گاهی به معنای تمثیل است و تمثیل عبارت است از پدیده‌ای واقعی که حقیقت بالاتری را نشان می‌دهد. مثلاً دنیا مثالی برای برزخ، و برزخ مثالی برای حشر اکبر است. از این رو، خداوند وقتی اوصاف بهشت را شرح می‌دهد، آن را به‌عنوان مَثَل ذکر می‌کند: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ...» (محمد/۱۵) این در حقیقت، وصف بهشت بوده و صرفاً مثالی از حقایق برتر است (ر.ک؛ همان، ۹۶-۹۷).

۷. مدنظر قرار دادن پیوند مسائل جهان‌شناختی با خداشناختی در قرآن

در مطالعات میان رشته‌ای، توجه به این حقیقت لازم است که زبان و بیان علم با بیان و زبان قرآن، در تبیین و ارائه واقعیات، متفاوت است. ایان باربور در کتاب مشهور علم و دین، زبان دین را زبان عامل و زبان علم را زبان ناظر نامیده است (ر.ک؛ ایان باربور، ۱۳۶۹، ص ۲۲۵-۳۲۰) به تعبیر علامه جوادی آملی در تبیین این تفاوت، یکی از مهم‌ترین فرق‌های قرآن با کتب علمی، این است که کتاب‌های علمی فقط به بررسی و تبیین سیر افقی اشیا و پدیده‌های جهان، یعنی دوران‌های مختلف و تطوراتی که پشت سر گذاشته و تحولاتی که در پیش دارد، می‌پردازد؛ اما قرآن علاوه بر نگاه اجمالی به این سیر افقی، سیر عمودی پدیده‌های جهان و ارتباط آنها با مبدأ و معاد موجودات، یا مبدأ فاعلی و مبدأ غایی سیر و تحول آنها سخن می‌گوید (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۷، الف: ۱۰۴) به‌عنوان مثال در آیاتی که سخن از بارش باران و رویش گیاهان به میان آمده، مانند آیه «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ» (الفاطر/۲۷)، یا پیدایش انواع باغ‌های مختلف را متذکر شده، از قبیل: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُمُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ» (الأنعام/۱۴۱)، یا رتق و فتق سماء را بازگو کرده است، چنان که در آیه ۳۰ سوره انبیاء بیان شده است: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...: محمدی آشنائی و دولت | ۱۴۵

فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنْ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا، در همگی، از مبدأ فاعلی بارش باران، حرکت حبه های جامد به خوشه ها، شاخه هایی که از حیات گیاهی برخوردار هستند، احداث راه های سفید و سرخ و سیاه کوهستانی و نیز، مبدأ فاعلی انواع میوه ها و دانه های خوراکی سخن به میان آمده است (ر.ک؛ همو، ۱۳۷۹، ج ۱، ۴۸۴۷).

بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی، در صورتی که مطالعه یک پدیده بدون پیوند با مبدأ فاعلی و غایی آن باشد، فهم صحیح و کاملی از آن به دست نخواهد آمد؛ زیرا برهان علمی هنگامی به سزا و کارآمد خواهد بود که عقلی باشد، نه تجربی. برهان تجربی می تواند با بهانه ها و عذرهای گوناگون مواجه شود؛ اما برهان عقلی بهانه بردار نیست. اگر برای بطلان یک قانون، دلیل تجربی آورده شود، ممکن است کسانی بگویند این قانون سودمند و شایسته است؛ اما کارگزاران نتوانستند آن را درست اجرا کنند. نیز، برهان عقلی هنگامی قدرت بیشتری خواهد داشت که لمّی باشد و در حدّ وسط آن، علّت فاعلی یا علّت غایی رخ بنماید (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۹، الف: ۲۴۴) به عبارت دیگر، بهترین راه شناخت هر چیز، معرفت و تحلیل آن از راه مبدأ فاعلی و نظام طولی است و تکمیل علم تجربی به وسیله برهان لمّی و یا تجربه پدیده از راه نظام طولی خواهد بود (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۴: ۹۳). هر چند علّت مادی یا صوری می تواند حدّ وسط باشد؛ اما علّت های مادی و صوری تنها ضامن ماهیت شیء اند؛ در حالی که علّت های فاعلی و غایی، عهده دار تأمین و تدوام اصل هستی شیء اند. از آنجا که هستی اصالت دارد، نه ماهیت، علّت های فاعلی و غایی سودمندتر از علّت های مادی و صوری اند. چه اینکه همه موجودات جهان دارای ماده و صورت نیستند، اما غیر از خدا، همه موجودات مبدأ فاعلی و غایی دارند (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۹، الف: ۲۴۴) بدینسان در مطالعه میان رشته ای، باید به تفاوت زبان علم و دین، توجه نمود و آن را مطمئن نظر قرار داد؛ زیرا در قرآن، تبیین پدیده ها با روش عقلی و با تحلیل از طریق پیوند با مبدأ فاعلی و ارایه برهان لمّی، صورت می پذیرد ولی در علوم تجربی، تبیین پدیده ها صرفاً از طریق تجربه و بدون مد نظر قرار دادن مبدأ فاعلی و با ارایه برهان انی، متداول است. این تفاوت زبانی، نباید زمینه تعارض آموزه های وحیانی و یافته های علمی را فراهم

آورد(ر.ک؛ ایان باربور، علم و دین).

۸. بهره‌مندی روشمند از عقل و یافته‌های علمی در فهم قرآن

در مطالعات میان‌رشته‌ای باید از سرمایه‌های عقلانی و یافته‌های علمی، به صورت روشمند و با رعایت چهارچوب‌های مدلل، بهره جست تا به جهل و جمود از یک سو و افراط و تفریط از سوی دیگر، گرفتار نشد. بنابر نگرش علامه جوادی آملی، خداوند متعال، قرآن را به اوصاف نور(مائده/۱۵)، هدایت (بقره/۲) و تبیان (نحل/۸۹) معرفی کرده‌است؛ زیرا قرآن نه از حیث محتوا نیازمند خارج خود بوده و نه از حیث دلالت، محتاج چاره‌جویی بیرونی است؛ لیکن این، مستلزم آن نیست که انسان با قرآن، جاهلانه برخورد کند و دارایی‌های عقلی و علمی را در فهم آن نادیده بگیرد. (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۴۹) در فهم کتاب و سنت، بسیاری از معلومات به‌منزله سرمایه و مبانی فهم درست است که اگر شخص مراجعه‌کننده، آنها را کنار بزند و بخواهد خالی‌الذهن با این متون مواجه شود، نتیجه‌اش جمود و یا کژفهمی خواهد بود. همان‌طور که عقل در ادراک کلیات خداشناسی، ضرورت نبوت و سایر مبانی پایه‌ای دین حجت است، دیگر معارف یقینی و برهانی نیز نباید طرد شوند(ر.ک؛ همو، ۱۳۸۹، ب: ۱۹۶).

عقل، اصل نیاز بشر به قانون ماورای طبیعت را می‌فهمد و خطوط کلی مسائل فقه، حقوق و اخلاقی را نیز درمی‌یابد؛ اما مسائل فراوانی وجود دارد که عقل درک نمی‌کند. عقل در خطوط کلی، میزان و در مسائل جزئی مفتاح است؛ یعنی تا گنجینه علوم می‌آید، در را باز می‌کند و دستور به بهره‌مندی از گنجینه قرآن یا روایات می‌دهد و پس از آن، مصباح است و او را به فهم قرآن و روایات رهنمون می‌کند. به همین دلیل، باید به دنبال فهمی از آیات باشیم که با مبادی بین یا مبین مقبول عقل منافات نداشته باشد. (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۴۸-۴۴۹) خطر عزل عقل و جمود بر نقل، ره‌آوردی غیر قابل قبول دارد؛ زیرا عقل همان‌طور که در فهم و درک معانی و مفاهیم الفاظ، خواه منطوق و خواه مفهوم، خواه موافق و خواه مخالف، مستمع خوبی است، در اقامه دلیل در قلمرو معارف عقلی ناطق خوبی به‌شمار می‌رود و هرگز نباید از نطق عقل غفلت کرد و او را فقط در حد استماع

نگه داشت (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۶، الف، ج ۱: ۳۴۱).

از طرف دیگر، تحصیل علوم تجربی و ظرفیت دل را گسترش می دهد و توانایی فهم و تحمّل معارف قرآن را بالا می برد و به انسان شرح صدر می دهد (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۴۹) قلبی که از اندیشه مستدل برخوردار است، آمادگی بیشتری برای دریافت علوم قرآنی دارد و هر چه انسان در اندیشه جهان آفرینش، از آیات کتاب تکوینی خداوند بهره ببرد قدرت او در فهم آیات کتاب تدوینی و قرآن کریم افزونتر می گردد. (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۶، الف، ج ۱: ۲۹) آنچه در این میان صحیح نیست، تحمیل یافته های علوم تجربی قبل از تبدیل شدن به "یافته علمی" مستدل و دقیق بر قرآن است؛ به گونه ای که معنای آیات صرفاً بر اساس فرضیه ها تبیین شود. (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۴۹) زیرا فرضیه های علمی و تجربی دائماً در حال تغییر و تحول اند و بسیار روی می دهد که با گذر زمان فرضیه ای جدید، فرضیه سابق را باطل می سازد. تطبیق نابه جای قرآن با این فرضیه های موقت، مستلزم وهن قرآن است؛ چنان که گروهی با تحمیل ره آورد هیئت بطلمیوسی بر قرآن، به چنین وضع نامطلوبی مبتلا شدند. (ر.ک؛ همو، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۵۸-۱۵۹) حال آنکه قرآن از هر بطلانی مصون است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت/۴۲). البته از فرضیه ها، می توان قبل از آن که قطعیت یابند، به عنوان یک احتمال تفسیری یاد کرد و چنانچه قطعیت یابند، به عنوان معنای تفسیر مورد قبول قرار می گیرند (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۵۰).

۹. پرهیز از جمود بر شأن نزول و مصادیق در عین توجه به آنها

در مطالعات میان رشته ای، باید به این نکته توجه داشت که آیات و آموزه های قرآن، همواره جاری است و سبب و شأن نزول و موارد و مصادیق و تطبیق های روایی، تخصیص دهند و تقییدگر آن نیستند؛ زیرا قرآن کریم هرگز در محدوده ای، محصور نمی شود؛ در غیر این صورت، جهانی و جاودانه نخواهد بود؛ چنان که از امام باقر (ع) روایت شده است: «وَلَوْ أَنَّ الْآيَةَ إِذَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَاتَ أَوْلَئِكَ الْقَوْمِ مَاتَتِ الْآيَةُ لَمَا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ وَ لَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي أَوَّلُهُ عَلَى آخِرِهِ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۰) اگر بنا بود آیه ای که درباره قومی خاص نازل شده باشد، پس از مرگ آن قوم، از قرآن

چیزی برجای نمی‌ماند؛ لیکن تا زمانی که آسمان‌ها و زمین باقی است، همه قرآن در جریان خواهد بود.» بر اساس این روایت، همان‌گونه که مهر و ماه همواره روز و شب را روشن می‌کند و به دوره‌ای خاص اختصاص ندارد، چنین نیست که هدایت و تدبیر قرآن برای دوران‌های گذشته باشد و برای دیگر دوران‌ها بهره‌ای جز تلاوت نداشته باشد. در سخن دیگری از آن حضرت (ع) جاودانگی قرآن از باب تشبیه معقول به محسوس، به همواره درخشان بودن آفتاب و ماه تشبیه شده است: «... يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلَّمَا جَاءَ تَأْوِيلُ شَيْءٍ مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأَمْوَاتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۶) «... قرآن جریان دارد، همان‌طور که خورشید و ماه جریان دارند؛ هر گاه تأویل چیزی از آن فرا برسد، همان‌سان که بر مردگان قابل تطبیق است، بر زندگان نیز قابل تطبیق خواهد بود.» امام صادق (ع) نیز درباره مصونیت قرآن از گزند کهنگی و فرسایش، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لَزْمَانَ دُونَ زَمَانٍ وَ لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (صدوق، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۸) خدا آن را برای زمانی خاص یا انسان‌هایی خاص قرار نداده؛ از این‌رو، تا روز قیامت، در هر زمانی، نو بوده و نزد هر قومی تازه است» (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۳۳-۲۳۴).

بر این اساس، یکی از نتایج تحقیق صحیح در قرآن، فرق گذاشتن بین مفهوم اصلی و موضوع‌های مرتبط با آن است که یکی به معرفت آیه و دیگری به شناخت مصادیق آن برمی‌گردد؛ چنان‌که ثمر دیگر آن، فهمیدن حصر و عدم حصر آنها در مصادیق خاص می‌باشد؛ زیرا ذکر مصادیق، گاه جنبه تعیینی دارد و گاه جنبه بیان یکی از نمونه‌ها. قهراً نتیجه بررسی دقیق، صیانت از تفریط جمود بر آنچه در اعصار پیشین رواج داشته و نزاهت از افراط تجاوز از مرزهای تعیین شده خواهد بود (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۶، ب: ۱۴۹).

بر این اساس، روایات تطبیقی و نیز شأن‌نزول‌های دارای سند صحیح و معتبر که در تبیین آیه حجیت دارند، هر چند راهگشای خوبی برای دریافت معنای آیه هستند، اما هرگز مخصّص یا مقیّد نیستند و گستره معنای آیات را محدود نمی‌کنند؛ بلکه صرفاً بیانگر مصداقی از مفهوم کلی آیات‌اند (ر.ک؛ همو، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۳۴) به عنوان مثال، اگر در

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...: محمدی آشنائی و دولت | ۱۴۹

تفسیر آیه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس/۲۴) از امام صادق(ع) روایت شده: «عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ؛ طعام در این آیه به معنای علم بوده و معنای آیه این باشد که انسان باید بنگرد علمش را از چه کسی فرا می گیرد (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۵۰)؛ در این بیان لطیف، در مفهوم طعام معنای فراگیری که هم قابل انطباق بر مصادیق حسّی و هم قابل انطباق بر مصادیق معنوی باشد، لحاظ شده است. زیرا طعام دو قسم است: طعام بدن و طعام روح؛ گر چه مصداق بودن نان برای طعام محسوس تر است، ولی مصداق بودن علم که غذای روح است، برای طعام دقیق تر است. حاصل آن که در بررسی یک آیه، نمی توان به مصادیق حسّی و معنوی اکتفا نمود (ر.ک؛ همو، ۱۳۸۸، ب: ۴۲۲).

۱۰. ممنوعیت قیاس و استحسان

در مطالعات میان رشته ای، در فهم معارف قرآنی و استناد به آن، نباید از قیاس و استحسان، بهره گرفت. قیاس که در دانش منطق، تمثیل نامیده شده، عبارت است از اجرای حکم موضوعی جزئی درباره موضوع جزئی دیگر، بدون داشتن قطع به وجود جامع حقیقی و علت مشترک حکم. اگر میان دو موضوع، جامع حقیقی و علت مشترک حکم وجود داشته باشد، قیاس منطقی خواهد بود، نه تمثیل. (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۳۸۶) اگر درباره یک موضوع، دلیلی برای اثبات یا نفی وجود نداشته باشد، آنچه در جهت تقریر آن، گفته شود / استحسان، و آنچه در نفی آن بازگو شود، استبعاد است. (همان، ج ۲: ۹۰) زیرا آنچه از قیاس و استحسان به دست می آید، حکم قطعی و مفید یقین نخواهد بود (همو، ۱۳۸۸، ب: ۳۳)؛ لذا هرگز نمی توان از طریق قیاس و استحسان، چیزی را به قرآن نسبت داد. (همان: ۱۴۴)

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش که از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، چه ضوابط روشی برای ارزیابی انتساب نظریه های علمی به قرآن در مطالعات میان رشته ای وجود دارد؟ برآیند کنکاش ها نشان داد که بر اساس این دیدگاه:

۱. اگرچه زبان قرآن، زبان فطرت و با انسانیت آدمیان، هماهنگ و برای همه انسان‌ها قابل فهم باست؛ ولی باید ضوابط فهم روشمند قرآن، رعایت گردد.
۲. از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، در انتساب نظریات علمی به قرآن، رعایت شش ضابطه روشی ذیل، لازم است: الف. آشنایی با علوم پایه، با پرهیز از جمود بر قواعد اعتباری آن علوم ب. توجه به گوناگونی گزاره‌های قرآنی ج. مد نظر قرار دادن پیوند مسائل جهان‌شناختی با خداشناختی در قرآن د. بهره‌مندی روشمند از عقل و یافته‌های علمی در فهم قرآن هـ. پرهیز از جمود بر شأن نزول و مصادیق در عین توجه به آنها و. ممنوعیت قیاس و استحسان
۳. با توجه به تشابه ظاهری الفاظ قرآن کریم با مصطلحات علوم دیگر، به‌خصوص علوم اسلامی، جایز نیست معانی مصطلح آنها بر معانی واژه‌های کتاب و سنت، تطبیق و احیانا تحمیل شوند. بدین رو، در تبیین گزاره‌های عقلی قرآن، نباید صرفاً به دنبال یافتن قرینه‌هایی برای تطبیق براهین قرآنی با براهین رایج فلسفی بود.
۴. باید تنوع و گوناگونی گزاره‌های قرآن، در مطالعات میان‌رشته‌ای مورد توجه قرار گیرد و هیچ یافته علمی نباید بدون ارایه دلایل کافی بر قرآن، حمل و توجیه شود و در بیان تمثیلی و تمثلی قرآن، باید به حقیقت، هدف و منظور از تمثیل و تمثل، توجه نمود.
۵. تفاوت بنیادین زبان قرآن در تبیین پیوند مسائل جهان‌شناختی با خداشناختی، با زبان علوم تجربی در مطالعات میان‌رشته‌ای باید لحاظ گردد؛ زیرا در روش قرآن، کشف هر حقیقت و معرفت جهان‌شناختی، گذرگاهی برای معرفت خداست؛ ولی در علم، پدیده‌ها، بدون مد نظر قرداد آن، تبیین می‌شوند، در حالی که توجه به علت فاعلی و غایی پدیده‌ها، می‌تواند در کشف ابعاد مختلف وجود آنها تأثیر به‌سزایی داشته باشد.
۴. در مطالعات میان‌رشته‌ای، باید از سرمایه‌های عقلانی و یافته‌های علمی، به صورت روشمند و با رعایت چهارچوب‌های مدلل، بهره جست؛ بدین رو لازم است مطلبی به قرآن اسناد داده شود، مخالف اصول روشن عقلی نباشد چنان که لازم است یافته‌های علمی متقن. با رعایت کلیه قوانین فهم متن قرآنی، با آن تطبیق یابد. ولی نباید گستره آیات را به

ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...؛ محمدی آشنائی و دولت | ۱۵۱

شان نزول یا مصداق خاص محدود نمود یا در انتساب یک نظر علمی به قرآن، از قیاس اصولی یا تمثیل منطقی و استحسان، استفاده نمود.

پیشنهادها:

با توجه به تحقیقات صورت گرفته و مطالب مطرح شده در این مقاله، نخست یک پیشنهاد به منظور ادامه مسیر پژوهش و سپس دو پیشنهاد به منظور مدیریت و ارتقای دقت در مطالعات دانش میان رشته‌ای قرآن کریم، ارائه می شود:

*.پیشنهادات

علاوه بر ضوابط روشی انتساب مطالب به قرآن در مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم که در این تحقیق، صورت پذیرفت؛ استخراج ضوابط و شاخصه‌های بنایی و مبنایی، امری ضروری است تا سنجش انتساب مطالب در مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، از دقت بیشتری برخوردار باشد.

۱. ارزیابی نظریه‌های موجود بر اساس ضوابط روشی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم

با توجه به معرفی ضوابط روشی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم در این پژوهش، می توان با بررسی نظریات دیگر و تکمیل آن، نظریه‌های ارائه شده موجود در این مطالعات را مورد ارزیابی قرار داد.

۲. بهره‌برداری از رویکرد سلبی به عنوان زیربنای مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم

از آنجا که در پاره ای موارد یافته‌های علمی با برداشت‌هایی که از معارف قرآنی وجود دارد، در نظر بدوی یا دقیق، ناسازگار می نماید، لازم است رویکرد سلبی نیز مورد استفاده قرار گیرد. رویکرد سلبی به معنای شناسایی مواردی است که یافته‌های علمی با آموزه‌های

۱۵۲ | فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی | سال سیزدهم | شماره ۴۸ | بهار ۱۴۰۱

قرآنی سازگاری ندارد؛ زیرا رویکرد سلبی دشواری‌های رویکرد اثباتی را در اثبات صحّت فهم محقق از آموزه‌های قرآنی و نیز مطابقت یافته‌های علمی با واقع ندارد. حداقل آن است که رویکرد سلبی می‌تواند محدودهٔ صحت یا بطلان یک نظریه را نشان دهد.

ORCID

Ali Mohammadi Ashnani



<http://orcid.org/0000-0002-8907-4342>

Muhammad Ali Dolat



<http://orcid.org/0000-0001-7150-9355>

منابع

- قرآن کریم. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- آقایانی چاوشی، جعفر. (۱۳۸۹). تأثیر تمدن اسلامی در شکوفایی ریاضیات کاربردی محاسبه فاصله بغداد مکه به وسیله ابوالوفای بوزجانی. *دوفصلنامه پژوهش های علم و دین*. پاییز و زمستان. شماره ۲. صفحات ۲۳ تا ۴۰.
- ایروانی، جواد و عبادی. مهدی. (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). بررسی تطبیقی حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک. *دوفصلنامه قرآن و علم*. شماره ۱۱. صفحات ۶۵ تا ۸۶.
- باربور، ایان. (۱۳۶۲). *علم و دین*. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار مهندس مهدی بازرگان*. شماره ۱. مباحث بنیادین. تهران: نشر پژمان. چاپ اول.
- بختیاری، صادق. میسمی. حسین و سلیمانی. محمد. (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*. شماره ۹. صفحات ۸۳ تا ۱۰۱.
- بیدهندی، محمد. کرباسی زاده، علی و شیراوند. محسن. (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). *دوفصلنامه پژوهش های علم و دین*. شماره ۲. صفحات ۷ تا ۲۲.
- پاک نژاد، سیدرضا. (۱۳۶۰). *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- پرچم، اعظم. فاتحی زاده. مریم و الهیاری. حمیده. (بهار ۱۳۹۱). *دوفصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. شماره ۱۴. صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۸.
- پلانک، ماکس. (۱۳۵۴). *علم به کجا می رود*. مترجم: احمد آرام. تهران: فجر.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۶). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. چاپ هفتم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). *تسنیم*. چاپ اول. قم: اسراء.
- _____ . (۱۳۸۴). *معرفت شناسی در قرآن*. تحقیق: حمید پارسانیا. چاپ سوم. قم: اسراء.
- _____ . (الف. ۱۳۸۶). *سرچشمه اندیشه*. تحقیق: عباس رحیمیان. چاپ پنجم. قم: اسراء.
- _____ . (ب. ۱۳۸۶). *شریعت در آئینه معرفت*. تحقیق: حمید پارسانیا. چاپ ششم. قم: اسراء.
- _____ . (الف. ۱۳۸۷). *دین شناسی*. تحقیق: محمدرضا مصطفی پور. چاپ پنجم. قم:

اسراء.

_____ . (۱۳۸۷.ب). *سروش هدایت*. چاپ دوم. قم: اسراء.

_____ . (۱۳۸۷.ج). *نسبت دین و دنیا*. تحقیق: علیرضا روغنی موفق. چاپ پنجم. قم:

اسراء.

_____ . (۱۳۸۸.الف). *حق و تکلیف در اسلام*. تحقیق: مصطفی خلیلی. چاپ پنجم. قم:

اسراء.

_____ . (۱۳۸۸.ب). *قرآن در قرآن*. تحقیق محمد محرابی. چاپ هشتم. قم: اسراء.

_____ . (۱۳۸۹.الف). *فلسفه حقوق بشر*. چاپ ششم. قم: اسراء.

_____ . (۱۳۸۹.ب). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. تحقیق: احمد واعظی. قم:

اسراء. چاپ چهارم.

جوهری، طنطاوی. (۱۳۵۰). *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*. مصر: طبع البابی الحلبی.

رحیم پور ازغدی، حسن. (۱۳۸۷.الف). *پنج گفتار*. چاپ اول: بی جا. طرح فردا.

_____ . (۱۳۸۷.ب). *عقلانیت*. چاپ پنجم. بی جا. طرح فردا.

رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۷). *معیار علم دینی*. فصلنامه ذهن، شماره ۳۳. بهار ۱۳۸۷. صفحات ۶-۱۲.

_____ . (۱۴۰۰). *نگاهی دیگر باره به معیار علم دینی*. قیسات. شماره ۱۰۰. تابستان

۱۴۰۰. صفحات ۵-۱۴.

رضائی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۳). *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*. چاپ اول. تهران: اسوه.

سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۸۸). *کارکردگرایی در زبان دینی و ارزیابی توفیقات آن*. شماره ۱۸.

پاییز ۱۳۸۸. صفحات ۹-۲۶.

سوزنجی، حسین. (۱۳۸۹). *معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی*. چاپ اول. تهران:

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی. (۱۳۷۹). *عیون أخبار الرضا(ع)*. بی جا: انتشارات

جهان.

صقار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات*. چاپ دوم. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

ضیائی فر، سعید. (۱۳۸۷). *قلمرو دین و ضوابط علوم دینی*. پژوهش های فلسفی-کلامی. سال دهم:

شماره ۱ (پیاپی ۳۷). پاییز ۱۳۸۷. صفحات ۷۹-۹۴.

- ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در ...؛ محمدی آشنائی و دولت | ۱۵۵
- علائی، حسین علی و رضایی آدریانی. ابراهیم. (پاییز و زمستان ۱۳۹۲). *دوفصلنامه قرآن و علم*. شماره ۱۳. صفحات ۴۹ تا ۷۰.
- علی تبار، رمضان و جایی، فیروز. (۱۳۹۵). معیار علم دینی با تأکید بر علوم انسانی اسلامی (از منظر علامه طباطبائی). *قیسات*. شماره ۸۱، پاییز ۱۳۹۵. صفحات ۲۰-۵۵.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۴۲۱). *التفسیر*. چاپ اول. قم: مؤسسه بعثت.
- قربانی، رحیم. (۱۳۸۵). *دان کیویت و دین؛ نقد کتاب «دریای ایمان»*. معرفت فلسفی. دوره سوم. شماره ۴. زمستان ۱۳۸۵. صفحات ۱۰۹-۱۲۹.
- کامکار، زهره. رضوی. شهناز و امین ناجی. محمد هادی. (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). *دوفصلنامه پژوهش های علم و دین*. شماره ۲. صفحات ۱۳۹ تا ۱۵۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران. دارالکتب الاسلامیه.
- مرزبند، رحمت الله و زکوی. علی اصغر. (تابستان ۱۳۹۱). *فصلنامه اخلاق پزشکی*. شماره ۲۰. صفحات ۶۹ تا ۱۰۰.
- مروتی، سهراب. بهرامی. حمیدرضا. یعقوبی. مینا و غلامی. فرزاد. (پاییز و زمستان ۱۳۹۲). *دوفصلنامه پژوهش های علم و دین*. شماره ۶. صفحات ۱۲۹ تا ۱۴۶.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۲). چاپ اول. *رابطه علم و دین*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۷). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*. چاپ چهارم. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). *مجموعه آثار شهید مطهری*. چاپ نهم. تهران: صدرا.
- نقیسی، شادی. مبانی اختصاصی تفسیر علمی از قرآن کریم. *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. سال پنجم پاییز و زمستان ۱۳۹۵. شماره ۱ (پیاپی ۹). صفحات ۱۴۹-۱۶۸.

Holy Quran, Translated by Ayyatullah Makarem Shirazi
 Aghayani Chavoshi, Jafar (2010-2011), Impact of Islamic civilization on the promotion of applied mathematics: calculation of Baqdad-Mecca distance by Abolvafa Bozjani, *Half-yearly of Science and Religion Studies*, No. 2, pp. 23-40.
 Barbour, Ian (1983). *Translated by Bahaoddin Khorramshahi*, Academic Publication Center, Tehran.

- Planck, Max (1975). *Where is Science Going*, Translated by Ahmad Aram, Tehran, Fajr.
- Jafari, Mohammadtaghi (1997), *Translation and Commentary of Nahj al-Balaqa*, Tehran, Islamic Culture Publication Office, 7th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2005). *Tasnim*, Qom, Esra, 1st edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2005). *Epistemology in Quran*, research by Hamid Parsania, Qom, Esra, 3rd edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2007a). *Origin of Thought*, Research by Abbas Rahimian, Qom, Esra, 5th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2007b). *Sharia in the Mirror of Knowledge*, Research by Hamid Parsania, Qom, Esra, 6th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2008a). *Religious Studies*, Research by Mohammadreza Mostafapour, Qom, Esra, 5th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2008b). *Angel of Guidance*, Qom, Esra, 2nd edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2008c). *Relation of religion and the world*, Research by Alireza Roghani Movaffagh, Qom, Esra, 5th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2009a). *Rights and Duties in Islam*, Research by Mostafa Khalili, Qom, Esra, 5th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2009b). *Quran in Quran*, Research by Mohammad Mehrabi, Qom, Esra, 8th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2010a). *Philosophy of Human Rights*, Qom, Esra, 6th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2010b). *The Status of Wisdom in the Geometry of Religious Knowledge*, Research by Ahmad Vaezi, Qom, Esra, 4th edition.
- Rahimpour Azghadi, Hasan (2008a). *Five Discourses*, unknown, Tarh-e Farda, 1st edition.
- _____, (2008b). *Rationality*, unknown, Tarh-e Farda, 5th edition.
- Sodough, Mohammad ibn Ali ibn Hossein ibn Babawayh Qomi, (2000) *Uyoun Akhbar Al-Ridha*, unkown, Jahat Publication.
- Saffar, Mohammad ibn Hasan (1984). *Basa'ir ad-Darajat*, Qom, Ayyatollah Mar'ashi Najafi Library, 2nd edition.
- Mohammad ibn Masoud Ayyashi, (2000). *Al-tafsir*, Qom, Be'sat Institution, 1st edition.
- Ghorbani, Rahim (2007) Don Cupitt and Religion; A critique of the book "Sea of faith"; *Philosophical Knowledge*, 3(44), Winter 2007, pp.109-129.
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1986). *Al-Kafi*, Tehran, Daar al-Ketab al-Eslamyieh.
- Motahhari, Morteza. (2007). *Collection of Works by Martyr Motahhari*, Tehran, Sadra.

- Kamkar, Zohreh; Razavi, Shahnaz; and Amin Naji, Mohammadhadi, (Fall and Winter 2010-2011), *Half-yearly of Research in Science and Religion*, No.2, pp. 139-159.
- Alaei, Hosseinali; and Rezaei Adriyani, Ibrahim, (Fall and Winter 2013-2014). *Half-yearly of Quran and Science*, No. 13, pp.49-70.
- Bakhtiari, Sadesh; Meysami, Hossein; and Soleimani, Mohammad (Fall and Winter 2012-2013). *Half-yearly of Islamic Economy Studies*, No. 9, pp. 83-101.
- Johari, Tantavi (1971). *Al-Javahir fi Tafsir al-Quran al-Karim (the jewel in interpretation of Holy Quran)*, Egypt, Tab' al-Babi Al-Halabi.
- Bidhendi, Mohammad; Karbasizadeh, Ali; and Shiravand, Mohsen (Fall and Winter 2010-2011). *Half-yearly of Research in Science and Religion*, No.2, pp. 7-22.
- Marzband, Rahmatollah; and Zakavi, Aliasghar (Summer 2012). *Half-yearly of Medical Ethics*, No. 20, pp.69-100.
- Moravati, Sohran; Bahrami, Hamidreza; Yaghoubi, Mina; and Gholami, Farzad (Fall and Winter 2013-2014). *Half-yearly of Research in Science and Religion*, No. 6, pp. 129-146.
- Iravani, Javad; and Ebadi, Mahdi, (Fall and Winter 2012-2013). *Half-yearly of Quran and Science*, No. 11, pp. 655-86.
- Parcham, A'zam; Fatehizadeh, Maryam; and Allahyari (Spring 2012). *Half-yearly of Research in Islamic Teaching and Education*, No. 14, pp.115-138.

استناد به این مقاله: محمدی آشنانی، علی، دولت، محمد علی. (۱۴۰۰). ضوابط روشی انتساب نظریه های علمی به قرآن در مطالعات میان رشته ای از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۳(۴۸)، ۱۲۵-۱۵۷.

DOI: 10.22054/RJQK.2022.64629.2470



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.